# گونه‌شناسی اصحاب سیاسی ـ معرفتی امام هادی علیه‌السلام

مینا عبدالرحیم نسب هریس[1]

## چکیده

امام هادی علیه‌السلام (۲۵۴ـ۲۱۲ق) در روزگاری می‌زیست که علاوه بر تقابل با حاکمان و کارگزاران غاصب عباسی، با جریان‌های فکری و اندیشه‌ای نیز مواجهه داشت که اعتقادات مردم را مورد هجمه قرار می‌دادند؛ لذا آن حضرت در برخورد با این گروه‌ها، با تربیت اصحاب آگاه و دانشور در حیطهٔ سیاسی و معرفتی، به مبارزه با آنان پرداخت. پژوهش حاضر، با رویکرد توصیفی ـ تحلیلی، فعالیت‌های این اصحاب را گونه‌شناسی کرده و به معرفی آنان پرداخته است تا مخاطب با نگرشی کلی بتواند عصر امام هادی علیه‌السلام را تحلیل کند. براین‌اساس، با شیوه کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع رجالی، فهرست نگاری‌ها و آثار تاریخی، داده‌های مورد نیاز برای شناخت اصحاب امام هادی علیه‌السلام فراهم آمده است. آنگاه باتوجه‌به فعالیت‌ها، اصحاب امام در سه گونه کنشگری سیاسی با فعالیت‌های ضد حکومتی، مانند حضور در قیام‌ها؛ کنشگری سازمانی، همچون فعالیت در سازمان وکالت و کنشگری مبارزه معرفتی (اعتقادی)، مانند مقابله با غالیان گونه‌شناسی شدند.

**واژگان کلیدی:** اصحاب امام هادی علیه‌السلام، گونه‌شناسی اصحاب، گونه‌شناسی سیاسی، گونه‌شناسی معرفتی، سامراء.

۱. دانش آموخته سطح سه حوزه تاریخ اسلام، حوزه علمیه خواهران، قم، ایران؛ nasabi888888888@gmail.com

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین اقدامات فرهنگی امام هادی علیه‌السلام (۲۵۴ـ۲۱۲ق) در راستای حفظ مبانی تشیع، تربیت اصحاب و شاگردان بود که توانستند با تدابیری خاص با همکاری این اصحاب، علاوه بر تبلیغ و تبیین تشیع، به مبارزه با دستگاه خلافت و همچنین جریان‌های انحرافی حاکم بر جامعه آن روز همچون غلات، واقفه و صوفیه و... بپردازند.

حاکمیت بنی‌عباس در این عصر از توان نظامی نسبتاً بالایی برخوردار بود؛ چنان‌که تنها رقیبش، یعنی امپراطوری روم را نیز شکست داد (جاسم حسین، ۱۳۸۵، ص۲۲۰). در این دوران، جنبش‌های دینی و غیردینی علیه بنی‌عباس شکل گرفت که جنبش‌های مسلحانه علوی در ایران، عراق، یمن و مصر در دوران امام هادی علیه‌السلام، از قوی‌ترین این جنبش‌ها به شمار می‌روند (جعفریان، ۱۳۸۸، ص۲۹۸). بغض و کینه عباسیان علیه شیعیان به حدی بود که متوکل، خلیفه عباسی (۲۴۸ـ۲۳۲ق)، مرقد امام حسین علیه‌السلام را تخریب کرد (قمی، ۱۳۲۵، ج۲، ص۳۴۵). افزون بر عباسیان، جریان‌های اندیشه‌ای مختلف مانند غالیان و... نیز اعتقادات شیعیان را مورد هجمه قرار داده بودند و امام می‌بایست در جبهه‌های مختلف، به مقابله با این گروه‌ها اقدام نمایند. در این میان، اصحاب امام هادی علیه‌السلام، در کنار امام بودند و آن حضرت را در این مبارزات یاری می‌رساندند. در رجال طوسی، نام ۱۸۶ نفر از اصحاب امام هادی علیه‌السلام آمده است که با وجود کم بودن تعدادشان، شاهد خدمات چشمگیری از آنان در عرصه‌های سیاسی و اعتقادی هستیم. هدف این پژوهش، شناسایی عرصه‌های سیاسی و اعتقادی فعالیت‌های اصحاب امام هادی علیه‌السلام و معرفی اقدامات آنان است. در راستای رسیدن به این مهم، با شیوه کتابخانه‌ای و رجوع به منابع رجالی تلاش شد اطلاعات اولیه مورد نیاز و فهرست و شرح‌حال اصحاب آن حضرت فراهم آید. آنگاه با بهره‌گیری از روش توصیفی ـ تحلیلی، این داده‌ها در کنار یکدیگر قرار گرفتند تا گونه‌های فعالیت اصحاب در ابعاد سیاسی و معرفتی شناخته شود.

در پیشینه، اثری که به‌صورت مستقیم به این موضوع پرداخته باشد یافت نشد، اما در برخی آثار، اصحاب امام هادی علیه‌السلام بدون توجه به گونه‌شناسی معرفی شده‌اند. از آن میان

می‌توان به کتاب النور الهادی الی أصحاب الامام الهادی علیه‌السلام نوشته عبدالحسین شبستری اشاره کرد که در شرح حال و معرفی اصحاب و راویان امام دهم است. نویسنده در این کتاب، ۱۹۳ نفر از یاران و ناقلان حدیث آن حضرت را معرفی کرده است. وی مطالب کتب رجال و فهرست آنان را نقل نموده و درباره افراد معرفی‌شده اظهار نظری نکرده است. در پایان‌نامه نقش یاران ایرانی امامان نهم، دهم و یازدهم شیعه در تاریخ فرهنگ اسلامی به قلم فرشته بوسعیدی از دانشگاه اصفهان، به معرفی اصحاب ایرانی سه امام در حیطه فرهنگی پرداخته شده است. همچنین در مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام هادی علیه‌السلام، در مواردی برخی از اصحاب معرفی شده‌اند؛ اما اینکه به‌صورت گونه‌شناسانه، به اقدامات و فعالیت‌های اصحاب حضرت پرداخته شده باشد اثری مشاهده نمی‌شود.

## ۱. معیارهای انتخاب اصحاب سیاسی ـ معرفتی (اعتقادی) امام هادی علیه‌السلام

با بررسی اوضاع سیاسی ـ اجتماعی زمان امام هادی علیه‌السلام و چگونگی فعالیت‌های امام و أصحاب ایشان، آنچه به دست می‌آید این است که اولاً ایشان توسط یاران سیاسی خاص، در کنار وکلای تعیین‌شده در سازمان وکالت، اهداف سیاسی خود را دنبال می‌کردند و ثانیاً اغلب با فرقه‌های انحرافی مانند غالیان، واقفه و صوفیان روبرو بودند که برخی از اصحاب با رویکرد معرفتی، واسطه آگاه‌سازی مردم در مبارزه با این گروه‌ها بودند.

روایات فراوانی در دست است که شیعیان از ورود به دستگاه خلافت، مگر در موارد رسیدگی به امور مسلمین و احقاق حق ایشان نهی شده‌اند که این امر می‌تواند نشان از اقدام عملی ائمه برای مشروعیت‌زدایی از عباسیان باشد؛ اما این موضوع بدان معنی نبود که نیروهای امام در دستگاه خلافت نفوذ نداشته باشند. آن حضرت افرادی را جهت اطلاع‌رسانی مخفی در دستگاه خلافت داشتند. حتی در زندان متوکل عباسی، علی‌بن جعفر همانی به امام نامه می‌نویسد و به دست امام می‌رساند. این مهم، از وجود یک شبکه پنهان اطلاعاتی در دربار از سوی طرفداران امام حکایت می‌کند (کشی، ۱۴۰۹، ج۱، ص۶۰۶).

مبتنی بر آنچه بیان شد می‌توان اصحاب سیاسی ـ معرفتی امام هادی علیه‌السلام را بر اساس قلمرو فعالیت آنها چنین گونه‌بندی کرد: گونه سیاسی، که فعالیت‌هایشان در دو محور

تجداگانه، قابل رصد است. یکی صاحب‌منصبان حکومتی که افراد دارای مأموریت از طرف امام در مناصب حکومت عباسی، فعالان در قیام‌ها و اموری این‌چنینی به شمار می‌روند و دیگری کارگزاران سازمان وکالت، اعم از سروکیل و وکلای مناطق‌اند. دوم اصحاب معرفتی، که فعالان در عرصه مقابله با غالیان، واقفه، اهل حدیث و مجسّمه، صوفیان و پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات مردم در این زمینه را دربرمی‌گیرند. نکته قابل‌توجه اینکه گونه‌شناسی ذکرشده، بر اساس غلبه کنشی اصحاب است و نمی‌توان مواضع و تدابیر ایشان را در یک گروه از کنش‌ها محصور نمود.

## ۲. گونه‌شناسی اصحاب امام هادی علیه‌السلام

گونه‌شناسی اصحاب امام هادی علیه‌السلام بر اساس معیارهای بیان‌شده به شرح ذیل است:

### ۱ـ۲. گونه صحابی با غلبه کنشگری سیاسی

صحابیان قرارگیرنده در این گونه، بر اساس کنشگری در مناصب حکومتی، حضور در قیام‌ها، مقابله رسانه‌ای مانند شعر با دستگاه خلافت و اقداماتی این‌چنینی رصد شده‌اند. برخی از این اصحاب عبارتند از:

#### الف) دعبل خزاعی

دعبل خزاعی (م۲۴۵ق) شاعر شیعه‌مذهب در حیطه هجا، مدح و رثا است. تشیع دعبل، تشیع مذهبی ـ سیاسی بود و حسّ انتقام‌جویی شدیدی نسبت به آنچه دولت اموی و عباسی با علی علیه‌السلام و آل او در ایام آن حضرت و نیز پس از ایشان مرتکب شدند، از خود نشان می‌داد. او در دوران عمر طولانی خود، زمان برخی امامان پیش از امام هادی علیه‌السلام را درک کرد و به حضور ایشان رسید؛ ولی به دلیل شرایط سخت، نتوانست خدمت امام علی النقی علیه‌السلام برسد. بااین‌حال، شهر سامرا را که آن حضرت در آن زندانی بود، سخت نکوهش کرد. وی مداح اهل‌بیت علیهم‌السلام و هجوکننده ابراهیم‌بن‌مهدی، مامون، معتصم و واثق عباسی و... بود. او اشعاری با مضامین ذم غاصبان خلافت، مدح اهل‌بیت علیهم‌السلام و دفاع از اعتقادات شیعه از جمله غدیر خم سرود. زمانی که متوکل عباسی حتی اجازه زیارت را به زوّار امام

حسین علیه‌السلام نمی داد و آنجا را با خاک یکسان کرد، دعبل به مرثیه‌سرایی برای شهدای کربلا و امام حسین علیه‌السلام پرداخت (شیخ الرئیس کرمانی، ۱۳۸۸، ص۶۰ـ۷۰). از او نقل است: «پنجاه سال است که چوبه دار خویش را به دوش می‌کشم و هنوز کسی را نیافته‌ام که با آن مرا به دار بیاویزد» (ابن‌خلکان، ۱۳۹۷، ج۲، ص۲۶۶). علت مسمومیت و مرگ او را به‌خاطر هجو مالک‌بن‌طوق[1] دانسته‌اند (عالمی دامغانی، ۱۳۷۱، ج۲، ص۱۴۶).

### ب) داوودبن‌قاسم

داوودبن‌قاسم (م۲۶۱ق) (طوسی، ۱۳۷۳، ص۳۸۶)، مشهور به ابوهاشم جعفری، شاعر، محدّث و عابدی باتقوا بود که روایات زیادی در موضوعات مختلف فقه، کلام، تفسیر و کرامات ائمه اطهار علیهم‌السلام نقل کرده است. وی در مدح خاندان پیامبر شعر می‌سرود و با زبان شعر، علاوه بر مدح و حقانیّت اهل‌بیت علیهم‌السلام، دشمنان ایشان را نیز نکوهش می‌کرد. ابوهاشم جعفری، با حکام وقت، معارضه و مبارزه می‌کرد، ازاین‌رو، حکومت وقت، او را بارها دستگیر و زندانی و حتی شکنجه نمود. حتی در جایی به جرم دست داشتن در ترور یکی از عناصر عباسی، دستگیر شد (فقیه بحرالعلوم و خامه‌یار، بی‌تا، ص۵۰۹ـ۵۰۷). وی درعین‌حال، نزد زمامداران از جایگاهی قابل‌احترام برخوردار بود؛ چنان‌که در سال ۲۵۱ق در جریان شورش کوفه به رهبری حسین‌بن‌محمد علوی، که با حضور ششصد مرد جنگی قیام کرده بود، ابوهاشم جعفری از طرف مزاحم‌بن‌خاقان، کارگزار عباسی، به‌عنوان میانجی برای مذاکرهٔ با حسین فرستاده شد (طوسی، بی‌تا، ص۱۸۱).

### ج) حسن‌بن‌علي معروف به ناصر کبیر

حسن‌بن‌علی معروف به ناصر کبیر، ملقب به الناصر للحق و الاطروش و الأصم[2] (م۳۰۴ق)، قبل از شروع قیام و نهضت خود علیه خلفای عباسی و سامانی، ابتدا به کار

۱. مالک‌بن‌طوق تغلبی، از امیران و اشراف قرن سوم قمری بود که از سوی متوکل عباسی، امیر دمشق شد. وی با کمک هارون الرشید، شهرکی به نام رحبه بنا کرد (ترمانینی، بی‌تا، ج۲، ص۹۲).

۲. سید مرتضی درباره جدّ مادری خود می‌گوید: «و اما ابومحمد ناصر کبیر؛ یعنی حسن‌بن‌علی، فضیلت او در دانش، زهد و فقاهت، از خورشید درخشان‌تر است. اوست که اسلام را در سرزمین دیلم گسترش داد» (طوسی، ۱۳۸۰، ص۴۱۲ و خویی، بی‌تا، ج۶، ص۳۱ـ۳۲).

فرهنگی و تبلیغی همت گماشت. وی از خاندانی برخاسته بود که ظلم‌ستیز و اهل مبارزه با دشمنان دین بودند؛ بااین‌حال، موفقیت قیام و اقدام نظامی خود را در گرو آماده نمودن اعتقادی و فرهنگی مردم بر ضد ظلم ظالمان می‌دید. ناصر بعد از کشته شدن محمدبن‌زید[1] در سال ۲۸۷ق، ابتدا به نواحی همجوار طبرستان در شمال ایران گریخت و سپس به دعوت فرمانروای دیلم، بدان سو روانه گردید. وی در آنجا، به مدت چهارده سال، به تبلیغ دین اسلام پرداخت که با تلاش‌های وی، جمع بی‌شماری از دیلمیان به اسلام گرویدند. ناصر در سال ۳۰۱ق به‌سوی طبرستان لشکر کشید و حاکمان سامانی را از آن دیار بیرون کرد. ناصر کبیر بعد از غلبه بر دشمنان، آمل را پایتخت خویش قرار داد و بیش از سه سال (۳۰۱ ـ ۳۰۴ق) به طور رسمی بر مناطق طبرستان، دیلم و بخش‌های شرقی گیلان حکومت نمود (موسوی‌نژاد و موسوی تنیانی، ۱۳۹۴، ص۱۱۰ـ۱۱۱ و ناطق بالحق، ۱۳۸۷، ص۶۱).

### د) خیران اسباطی

خیران اسباطی (طوسی، ۱۳۷۳، ص۳۸۶)، محدث امامی ثقة، جلیل‌القدر، خادم امام رضا علیه‌السلام و یکی از موالی ایشان بود. وی مورد اعتماد و از اصحاب خاص امامان علیهم‌السلام به شمار می‌رفت و گویا جزء افراد اطلاعاتی زمان خویش از جانب امام هادی علیه‌السلام محسوب می‌شد؛ لذا روزی آن حضرت، احوالات واثق و متوکل عباسی و نیز ابن‌زیّات، وزیر واثق را از او که به تازگی از بغداد برگشته بود پرسید و خیران پاسخ داد (مامقانی، ۱۳۵۲، ج۱، ص۴۰۵).

### هـ) احمدبن‌محمد اشعري قمي

احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی (م۳۰۰ق) (طوسی، ۱۳۷۳، ص۳۸۳) از خاندان بنی‌ذخران بن عوف بن جماهیر بن الاشعر مکنی به اباجعفر است. او از بزرگان و شیوخ قم و از فقهای آنها بود. او به‌خاطر لیاقت‌هایی که از خود بروز داد توانست رهبری شیعیان قم را بر عهده گیرد. قدرت سیاسی و اجتماعی وی بدان حد رسید که وقتی بر اساس وظیفه شرعی،

۱. محمدبن‌زید علوی، حاکم طبرستان، پس از اسیر شدن عمروبن‌لیث صفاری و به قدرت رسیدن اسماعیل سامانی کوشید بر خراسان چیره شود. اسماعیل سپاهی به فرماندهی محمدبن‌هارون به‌سوی او فرستاد که وی در جنگ با محمدبن‌زید او را کشت و بر طبرستان دست یافت. آنگاه از اطاعت اسماعیل سامانی خارج شد و طبرستان را مستقل اعلام کرد (ترمانینی، بی‌تا، ج۲، ص۱۴۳).

عده‌ای را از قم اخراج کرد، احدی را توان اظهار مخالفت نبود. حاکم قم نیز در امور ملکی به او رجوع می‌کرد و احمد در این امور در مصدر تصمیم‌گیری بود (ربانی، ۱۳۷۶، ص۳). نجاشی درباره قدرت سیاسی او می‌نویسد: «احمد بن محمد بن عیسی، چهره بدون رقیب قم بود و با حاکم قم رفت‌وآمد داشت» (نجاشی، ۱۴۱۸، ص۸۱ـ۸۲).

### و) احمدبن‌حمزه قمی

احمدبن‌حمزه قمی (طوسی، ۱۳۷۳، ص۳۸۳)، از جمله یاران امام هادی علیه‌السلام بود که در دوره عباسی منصب وزارت داشت. او برای شنیدن و فراگیری حدیث از لسان مبارک شخص امام هادی علیه‌السلام، از قم به سامراء مهاجرت کرد و با وجود مراقبت شدید حکومتی از آن حضرت، با پیشوای خود ملاقات نمود (عطاردی، ۱۴۱۰، ص۳۲۱).

## ۲ـ۲. گونه صحابی با غلبه کنشگری سازمانی

امام هادی علیه‌السلام از جمله امامانی بود که به تقویت شبکه ارتباطی وکلا اقدام کرد. شبکه وکالت، سازمانی هماهنگ و متشکل از امامان معصوم علیهم‌السلام و پیروان نزدیک و وفادار آنان بود که برای پیشبرد اهداف دینی، سیاسی و اجتماعی تاسیس شد. سازمان وکالت دارای ساختاری هرمی بود که در آن زمان، امام هادی علیه‌السلام در راس آن قرار داشت. پس از امام، عثمان‌بن‌سعید عمری به‌عنوان مسئول وکلا، امور سازمان را پیگیری می‌کرد و وکلای حضرت، در مناطق مختلف مشغول به فعالیت بودند (اکبری مقدم، ۱۳۹۳، ص۴۴ـ۷۰). در ادامه، به معرفی وکلای سیاسی ـ اجتماعی امام هادی علیه‌السلام می‌پردازیم.

### الف) عثمان‌بن‌سعید العمري

عثمان‌بن‌سعید العمری الزیات (م۲۶۵ق) (طوسی، ۱۳۸۰، ص۴۲۰)، از یاران نزدیک امام هادی، امام عسکری و امام مهدی علیهم‌السلام بود. پس از رهبری سازمان توسط امام معصوم، مرتبه بعدی مربوط به وکیل الوکلای آن حضرت، یعنی عثمان‌بن‌سعید عمری بود که مدیریت امور داخلی سازمان وکالت را بر عهده داشت. در شرایطی که دولت عباسی نسبت به امام هادی علیه‌السلام مشکوک بود، آن حضرت، به کسانی که به‌سختی می‌توانستند با ایشان به‌صورت مستقیم

تماس بگیرند، عثمان را به‌عنوان وکیل و دستیار مورد اعتماد خود معرفی می‌کرد (طوسی، بی‌تا، ج۲، ص۵۰۰). وی امور داخلی حوزه وکالت امام را سامان می‌داد و روابط بین مرکز سازمان و شعب آن در استان‌های دوردست را تنظیم می‌کرد (جاسم حسین، ۱۳۸۵، ص۱۴۲). همچنین نظارت بر کار وکلای بلاد، رسیدگی به امور مالی و وجوهات شرعی و پاسخ به پرسش‌های دینی، سیاسی و اجتماعی، از طریق او صورت می‌گرفت (سلیمانی، ۱۳۸۶، ص۲۱۸). روغن‌فروشی عثمان، پوششی برای مخفی نگاه داشتن کارهای وی بود (طوسی، بی‌تا، ج۲، ص۴۹۹) که از این طریق با هوشیاری تمام، به انجام وظایف محوله می‌پرداخت و سازمان را از خطرات جدی حفظ می‌کرد.

### ب) علی‌بن‌جعفر الهمانی

علی‌بن‌جعفر الکوفی الهمانی (زنده در عصر امام عسکری علیه‌السلام) (همان، ص۴۱۸)، وکیل امام هادی علیه‌السلام بود و بسیار مورد وثوق و احترام آن حضرت قرار داشت. در ماجرای اختلاف علی‌بن‌جعفر با ابن‌قزوینی و پرسش محمد بن ابراهیم بن همدانی طی نامه‌ای از حضرت، امام هادی علیه‌السلام نوشت: «چنین مطلبی نیاز به سؤال ندارد. در مثل علی‌بن‌جعفر نمی‌توان تردید کرد. خداوند حرمت علی‌بن‌جعفر را بالاتر از آن قرار داده است که با کسی همچون قزوینی مقایسه شود و...». آن حضرت در ادامه با تاکید بیشتر، نسبت به فرمان‌برداری از ایشان امر می‌کنند (کشی، ۱۴۰۹، ج۱، ص۵۲۳). دفتر مرکزی سازمان وکالت، تابع محل سکونت امام بود. با انتقال امام هادی علیه‌السلام از مدینه به سامرا، دفتر مرکزی سازمان به سامرا منتقل شد و علی‌بن‌جعفر همانی و فارس‌بن‌حاتم قزوینی، به‌عنوان معاونین عثمان‌بن‌سعید عمری در سامرا، وی را در انجام امور مدیریتی و اجرایی یاری می‌کردند. به‌این‌ترتیب، تقسیم وظایف و عدم تمرکز کارها نزد عثمان، علاوه بر تسهیل در انجام امور، باعث می‌شد تا حساسیت جاسوسان حکومتی نیز برانگیخته نشود (طوسی، ۱۳۴۸، ص۵۶۵). علی‌بن‌جعفر، مانند دیگر وکلای امام، مورد تعقیب حکومت عباسی بود که در نهایت، بازداشت شد و به دلیل فعالیت‌هایی همچون دریافت وجوهات و پخش آنها و... مدت مدیدی در سلول‌های زندان متوکل عباسی، تحت فشار بود تاآنجاکه متوکل قصد کشتن وی را کرد. دراین‌حال، علی‌بن‌جعفر در نامه‌ای به امام عرضه داشت: «به خاطر خدا مرا دریابید. من بیم دارم که مرا نابود کنند». حضرت در پاسخ فرمود:

«وقتی کار به آنجا برسد، من آزادیت را از خداوند می‌خواهم» (کشی، ۱۴۰۹، ج۱، ص۶۰۶)، که با دعای مستجاب امام هادی علیه‌السلام از زندان خلاصی پیدا کرد.

### ج) علي‌بن‌الحسين عبد ربه

علی‌بن‌الحسین عبد ربه (م۲۲۹ق) (طوسی، بی‌تا، ص۳۸۸) در بغداد و مدائن، از طرف امام هادی علیه‌السلام به امور وکالتی منصوب بود (کشی، ۱۴۰۹، ج۱، ص۵۱۰)، اما چون این مسئولیت در اواخر عمرش بود، جزئیات امر در کتب رجالی و تراجم نیامده است. به نقل از کشی، علی‌بن‌الحسین‌بن‌عبد ربه، از امام هادی علیه‌السلام خواست از خدا درخواست نماید مرگش به تأخیر افتد. حضرت فرمود: «اینکه پروردگارت را ملاقات نمایی درحالی‌که تو را مورد آمرزش قرار داده، برای تو بهتر است» (همان).

### د) ايوب بن نوح بن دراج الكوفي

وکلای شیعیان را بر مبنای نواحی گوناگون، به چهار گروه تقسیم کرده‌اند. نخستین ناحیه، شامل بغداد، مدائن، سواد و کوفه؛ ناحیه دوم، بصره و اهواز؛ ناحیه سوم، قم و همدان و بالاخره ناحیه چهارم، حجاز، یمن و مصر بود. هر ناحیه، به یک وکیل مستقل واگذار می‌شد که کارگزاران محلی، تحت نظر او منصوب می‌شدند (جاسم حسین، ۱۳۸۵، ص۱۳۷). باتوجه به سابقه حضور خاندان ایوب‌بن‌نوح در کوفه، وی در کوفه وکیل آن حضرت بود. او یکی از وکلای ارشد دو معصوم (عسکریین)، به‌ویژه در امور مالی و اخذ وجوهات شرعیه شیعیان محسوب می‌شد و نقش ارتباطی بین آن دو بزرگوار و وکلای برخی از نواحی را ایفا می‌کرد. این امر بعدها موجب جلب تهمت ضعیف‌النفسان آن روزگار، مبنی بر جمع‌آوری انبوهی از مال و منال و... شد که البته بعد مرگ ایشان و باقی ماندن تنها ۱۵۰ دینار از پول شخصی، خط بطلان محکمی بر افکار آنان زد (کشی، ۱۴۰۹، ج۱، ص۷۲، ۳۵۶، ۵۰۲، ۵۰۸، ۵۱۴، ۵۲۵ و ۵۵۷). ایوب‌بن‌نوح، به‌عنوان وکیل ارشد در کوفه، به دنبال فساد فارس‌بن‌حاتم، مدتی نیز مسئولیت جمع‌آوری وجوهات منطقه جبال را بر عهده داشت (طوسی، ۱۳۴۸، ص۵۶۵). تاریخ فوت ایوب نامشخص است، اما تا حدود سال ۲۶۰ق در قید حیات بوده است (همان، ۱۳۸۰، ص۴۰۹).

### هـ) ابراهیم بن مهزیار

طبرسی بر وکالت ابراهیم بن مهزیار (حدود ۱۹۵ـ۲۶۵ق) (نجاشی، ۱۴۱۸، ص۲۵۴) و پسرش محمد در اهواز تصریح کرده است (طبرسی، ۱۳۷۶، ج۲، ص۲۵۹). عمده وظیفه ایشان در امر وکالت، جمع‌آوری وجوهات بود تا به بغداد برساند (کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۴۵۷ـ۴۶۱).

### و) ابراهیم بن محمد الهَمَدانی

در رجال کشی، از ابراهیم بن محمد به‌عنوان وکیل امام هادی علیه‌السلام یاد شده و از جانب آن حضرت، مورد تمجید و سپاس قرار گرفته است (جباری، ۱۳۸۲، ج۱، ص۳۸۵). امام هادی علیه‌السلام طی نامه‌ای، او را تنها وکیل خود در شهر همدان قرار داد (کشی، ۱۴۰۹، ج۱، ص۶۱۱ـ۶۱۲). سال درگذشت ابراهیم بن محمد مشخص نیست و احتمالا در عصر غیبت وفات یافته است (طوسی، ۱۳۸۰، ص۴۰۹).

### ز) احمدبن حمزه قمی طوسی

احمدبن حمزه قمی (همان، ص۳۹۸) از وکلای امام هادی علیه‌السلام به شمار می‌رود، اما از فعالیت‌های ایشان، کارکردی ثبت نشده است و تنها در روایات، دلائلی بر وکیل بودن ایشان وجود دارد. برای مثال، ابومحمد رازی روایت می‌کند که امام هادی علیه‌السلام، ضمن توقیعی، احمدبن حمزه را در کنار چند وکیل دیگر توثیق کرده است (نجاشی، ۱۴۱۸، ص۹۰).

### ح) احمدبن اسحاق رازی

احمدبن اسحاق رازی (م۲۶۰ق) (عطاردی، ۱۴۱۰، ص۳۲۰)، وکیل ارشد ناحیه خویش بوده است (جباری، ۱۳۸۲، ج۱، ص۵۶۸).

### ط) ابوعلی حسن بن راشد

شیخ طوسی، از حسن بن راشد به‌عنوان وکیل امام هادی علیه‌السلام یاد کرده و نامه‌های آن حضرت در حق وی را نام برده و برشمرده است. از جمله، در جایی که او را به‌جای حسین بن عبد ربه برمی‌گزینند و نامه‌ای در سال ۲۳۲ق به علی بن بلال می‌نویسد و تعویض خود را اعلام می‌دارد (طوسی، بی‌تا، ص۲۱۲).

### ۳ـ۲. گونه صحابی با غلبه کنشگری معرفتی

این دسته از اصحاب امام هادی علیه‌السلام افرادی بودند که در خط مقدم مبارزه با جریان‌های انحرافی قرار داشتند. در ادامه، دسته‌بندی این گونه معرفی می‌شود.

#### ۱ـ۳ـ۲. مبارزین با غالیان

غالیـان کار را بـه جایی رسـانده بودنـد که بی‌محابا ادعـای الوهیت، نبـوت و بابیت و... می‌کردنـد؛ ازایـن‌رو شـرایط ایجـاب می‌کرد تا یـاران امام هـادی علیه‌السلام به شـکل‌های مختلف به مقابله با این فرقه بپردازند. این گونه، شامل سه گروه بودند:

##### ۱ـ۱ـ۳ـ۲. اصحاب مقابله‌گر تبلیغی ضد غالیان

برخـی از اصحـاب، خـود بـا این غالیان مواجـه بودند و لذا بـرای مقابله بـا آموزه‌های آنان درباره ادعاهایشـان، از امام کسـب تکلیف می‌کردند. یکی از این اصحاب، ابراهیم‌بن‌شـیبة القاشانی است.

امـام هـادی علیه‌السلام خـود نیز در برابر این گروه غالی، موضعی صریح داشـتند. ایشـان در یک مورد، از بزرگان آنان تبری جسـته و در جای دیگر، اظهار لعن و نفرین کرده و در مرتبه نهایی، حتی دسـتور قتل آنان را صادر فرمودند؛ زیرا راهی جز از این طریق برای روشـنگری مسـلمین وجـود نداشـت. بـرای مثـال علی‌بن‌حسکه در عصر امام هادی و امام حسـن عسـکری علیهماالسلام، دارای عقایدی غلوآمیز بود و با دادن نسـبت ناروای خدایی به امام هادی علیه‌السلام، مدعی بابیت و نبـوت بـود. وی همچنیـن ادعای سـقوط تکالیف شـرعی دیـن از خود و... داشـت. یکی از روایاتی که به بیان عقاید این فرقه پرداخته، روایت ابراهیم‌بن‌شیبه است که بر امام هادی علیه‌السلام عرضه داشت: «فدایت شوم! گروهی در نزد ما هستند که در شناخت فضیلت شما اختلاف نظـر دارنـد و سـخنان گوناگونی می‌گویند که دل‌ها از شـنیدن آنها تنفر دارد و سـینه‌ها تنگی می‌کنـد. احادیثـی را در آن بـاره نقـل می‌کنند که به‌خاطر سـنگینی بیان، نـه می‌توانیم به آنها اعتـراف کنیـم و نـه آنهـا را رد کنیم و نه به دلیل آنکه به پدران شـما نسـبت می‌دهند می‌شـود انکار کرد و ناگزیریم نسـبت به آنها متوقف باشـیم؛ زیرا آنها سـخنان ایشان را تاویل می‌کنند.

شـما درباره قبول سـخن همه آنها چه می‌فرمایید؟». امام در پاسـخ نوشتند: «این دین و آیین ما نیست. از آن دوری کن» (کشی، ۱۴۰۹، ج۱، ص۵۱۷).

ابراهیم‌بن‌داوود الیعقوبی (م قبل از ۲۵۴ق) (طوسی، ۱۳۸۰، ص۴۱۰)، از دیگر صحابیان فعال در این زمینه است. کشی از وی نقل کرده است: به امام هادی علیه‌السلام نوشتم و جریان (انحراف) فارس‌بن‌حاتم را به حضرت گزارش نمودم. حضرت نوشت: «لا تحفلن به و ان أتاک فاستخف به» (کشی، ۱۴۰۹، ج۱، ص۵۲۲). از نامه‌ای که ابراهیم‌بن‌داوود به امام علی النقی علیه‌السلام نوشـته اسـت معلوم می‌گردد که وی از افرادی بوده که غم و غصه دین و مذهب دارند و در مقابل اشخاص فاسد و گمراه و گمراه‌کننده، بی‌تفاوت نبوده است.

### ۲ـ۱ـ۳ـ۲. اصحاب ردیه‌نویس ضد غالیان

از اصحـاب امـام هـادی علیه‌السلام، عـده‌ای نیـز بـا نوشـتن کتـاب، در ردّ ایـن فرقـه اقـدام کرده بودنـد. در ایـن میان، حسین‌بن‌سـعید حمّاد، کتاب الرد علی الغلات (ابن‌ندیم، بی‌تا، ص۴۰۶)؛ علی‌بن‌مهزیار دورقی اهوازی، کتاب الرد علی الغلات (نجاشی، ۱۴۱۸، ص۲۵۳)؛ فضل‌بن‌شـاذان (م۲۶۰ق)، کتاب الرد علی الغالیة المحمدیّه و کتاب الرد علی محمدبن‌کرّام (همان، ص۳۰۷)؛ محمدبن‌اورمه قمی، کتاب الرد علی الغلات (مقدس‌زاده، ۱۳۳۵، ص۱۴۴)؛ سعدبن‌عبدالله اشعری قمی، کتاب الضیاء فی رد علی المحمدیه و الجعفریه، کتاب الرد علی الغلات و کتاب الرد علی علیّ بن ابراهیم بن هاشم فی معنی هشام و یونس (نجاشی، ۱۴۱۸، ص۳۱۰) و محمدبن‌حسن صفار قمی، کتاب الرد علی الغلات (همان) از آن جمله‌اند.

### ۲ـ۳ـ۲. مبارزین با واقفیه

واقفه یا واقفیه، فرقه‌ای از شیعیان بودند که در امامت امام موسی‌بن‌جعفر علیه‌السلام توقف کردند و معتقد بودند امام موسی‌بن‌جعفر علیه‌السلام، آخرین امام است. آنان آن حضرت را امام زنده و خاتم الائمه می‌دانسـتند که غیبت کرده و او همان مهدی منتظر اسـت. بعضی از ایشان معتقدند آن حضـرت وفـات یافت، اما در آخرالزمان دوباره زنده خواهد شـد. آنـان پنج امام بعد از امام هفتـم را بـه دلیل ادعای امامـت، گمراه می‌دانسـتند. بعضی از آنان معتقدنـد امامان بعدی،

ادعـای امامـت نکرده‌اند و همه آنها خلفای حضرت امام موسـی کاظم علیه‌السلام بوده‌اند. گروهی از ایشان، حبس آن حضرت را نیز اساساً منکر هستند (مدرس، ۱۳۶۹، ج۵ـ۶، ص۲۹۶). هرچند واقفه اولیه بعد از شهادت امام کاظم علیه‌السلام شکل گرفت، اما این گروه همچنان در زمان امام هادی علیه‌السلام ظهـور و بـروز اجتماعـی داشـته اسـت؛ چنان‌کـه در دوره غیبـت صغـری نیز جـان دوباره‌ای گرفتند. امام هادی علیه‌السلام در دوران امامت خود، به شیوه‌های مختلف، به تبیین موضوع امامت و اثبات آن و بیان و شرح مقام و منزلت واقعی ائمه می‌پرداختند که اوج آن تبیین، در زیارت جامعه کبیره ایشـان کاملا مشـهود اسـت. بر این اسـاس، یاران ایشـان نیز به پیروی از امام، به موضع‌گیری علیه این فرقه پرداختند.

### ۱ـ۲ـ۳ـ۲. اصحاب مواجه‌گر تبلیغی ضد واقفیه

ایـن گـروه از صحابـه، به فعالیت و مواجهه مسـتقیم بـا واقفیـان روی آورده بودند که از آن جمله می‌توان به این صحابیان اشاره کرد.

یکی از صحابیان با این رویکرد، ابراهیم‌بن‌عقبه (طوسی، ۱۳۸۰، ص۴۱۱) است که در نامه‌ای، از امام نوع خاصی از مواجهه با واقفیه را پرسـش می‌کند (کشی، ۱۴۰۹، ص۴۶۱). فضل‌بن‌شـاذان (طوسی، ۱۳۷۳، ص۴۲۰) یکـی از ایـن صحابیـان اسـت. وی در مجالـس مناظـره بـزرگ فطحیان و مشـایخ واقفیـه شـرکت می‌کرد و بـه دفاع از عقاید شـیعه می‌پرداخـت (بجنـوردی، ۱۳۶۷، ج۴، ص۵۱). داوود بن قاسم بن اسحاق (طوسی، ۱۳۸۰، ص۴۱۴)، صحابی دیگری است که با بحث‌ها و مناظراتـی که با سـران فرقه‌های باطل و منحرف داشـت، توانسـت جمعـی از آنها را هدایت نماید. داوود، در اثبات امامت حضرت کاظم علیه‌السلام، به هنگام مناظره با فردی که مدعی امامت فرزند دیگر حضرت صادق علیه‌السلام به نام اسماعیل بود، گفت:

لمـا انـبـری لی سـائـل لاجیـبـه  مـوسی احـق بهـا ام اسماعـیـل
قلت: الدلیل معی علیك و ما علی  مـا تـدعـیـه لـلامـام دلـیـل...

(فقیه بحرالعلوم، بی‌تا، ص۵۰۶ـ۵۰۷)

### ۲ـ۲ـ۳ـ۲. اصحاب ردیه‌نویس ضد واقفیه

برخی از صحابه امام هادی علیه‌السلام تلاش کردند با ردّیه‌نویسی، عقاید این فرقه را به چالش بکشند و شبهات ایشان را پاسخ دهند. از آن میان می‌توان به محمدبن‌عیسی البغدادی (م۲۹۷ق) اشاره کرد که دو کتاب الواضح المکشوف فی الرد علی أهل الوقوف و کتاب الامامة را نگاشته است (نجاشی، ۱۴۱۸، ص۲۳۵).

### ۳ـ۳ـ۲. مبارزین با اهل حدیث

اهل حدیث، گروهی از عالمان در سده‌های نخست اسلامی هستند که در روش خود، برای آموزش احادیث و پیروی از آن، اعتنایی ویژه داشته‌اند، اما در چگونگی برخورد خود با حدیث، دارای روشی همسان نبوده‌اند. همین امر موجب می‌گردد تا در مطالعهٔ تاریخی، ضرورت تمییز میان طایفه‌های گوناگون احساس گردد. اگرچه اصحاب حدیث به معنای اعم، موضوعات گوناگون دینی مشتمل بر تعالیم فقهی و کلامی و جز آن را نیز مورد بررسی قرار داده، و در هریك، آثار متعددی نیز پدید آورده‌اند، اما آنان بیش از هر چیز، در تاریخ فرهنگ اسلامی، به‌عنوان یکی از دو گرایش اصلی در فقه اهل سنت در سده‌های نخستین، در مقابل اصحاب رأی شهرت داشته‌اند (پاکتچی، بی‌تا، ج۹، ص۷۱۹). اینان در برخی آموزه‌های اسلامی، افکاری خاص داشتند که مورد پذیرش شیعه نبود و باید با آن مقابله می‌شد.

یاران امام هادی علیه‌السلام نیز هر زمان که با شبهات اهل حدیث روبرو می‌شدند، فوراً امام را در جریان گذاشته و پس از اخذ جواب، آن را در اختیار سایرین قرار می‌دادند. در یکی از این موارد، بر اثر دیدگاه اهل حدیث، در بحث توحید و صفات خداوند، اختلافاتی میان مسلمانان به وجود آمد. در همین زمینه، بشربن‌بشار النیسابوری در نامه‌ای به امام هادی علیه‌السلام نوشت: «نزد ما در مورد توحید اختلاف کرده‌اند. برخی از آنان می‌گویند او جسم است و برخی می‌گویند او صورت است». پس حضرت پاسخ داد: «پاک و منزه است کسی که حدی برای او متصور نیست و وصف نمی‌شود، و چیزی شبیه به او نیست. هیچ چیزی مثل او نیست و او شنوا و بیناست» (طوسی، ۱۳۸۰، ص۴۱۱ و ۴۱۷).

## نتیجه‌گیری

یکی از راه‌های شناخت فعالیت‌های اصحاب امام هادی علیه‌السلام، گونه‌شناسی بر اساس کنشگری سیاسی ـ معرفتی است. گونه سیاسی، پیگیری فعالیت‌های یاران امام هادی علیه‌السلام در سازمان وکالت مختص زمان امام هادی علیه‌السلام و نفوذیان در دستگاه خلافت یا اعتراض‌کنندگان به حکومت وقت و... است. در گونه اصحاب معرفتی امام هادی علیه‌السلام نیز کسانی بودند که در عرصه مقابله با جریان‌های انحرافی مانند غالیان و واقفه به مبارزه می‌پرداختند و در پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات شیعیان، به جهادگری علمی دست می‌زدند. هرچند تعداد اصحاب امام هادی علیه‌السلام نسبت به برخی ائمه کم است، اما هرکدام، نقش بسزایی در پیشبرد اهداف راهبردی آن حضرت، به‌ویژه در عرصه سازمان وکالت و مبارزه با فرقه‌های انحرافی داشتند. متاسفانه شرح‌حال همه آنها در کتاب‌های کهن در دسترس نیست و گاه تنها باید به اشاراتی بسنده کرد.

## فهرست منابع

*قرآن کریم

### الف) کتاب


۱. ابن‌خلکان، ابی‌العباس، ۱۳۹۷ق، وفیات الاعیان، بیروت: بی‌نا.
۲. ابن‌ندیم، محمدبن‌اسحاق، بی‌تا، الفهرست، تهران: جامعه تهران.
۳. بجنوردی موسوی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۶۷ش، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۴. پاکتچی، احمد، بی‌تا، اصحاب حدیث، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی (کتابخانه فقاهت).
۵. ترمانینی، عبدالسلام، بی‌تا، رویدادهای تاریخ اسلام، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۶. جباری، محمدرضا، ۱۳۸۲ش، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی﵀.
۷. جعفریان، رسول، ۱۳۸۸ش، تشیع، تهران: علم.
۸. حسین، جاسم، ۱۳۸۵ش، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه: محمدتقی آیت‌اللهی، تهران: امیر کبیر.
۹. خویی، سیدابوالقاسم الموسوی، بی‌تا، معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرجال، بی‌جا: بی‌نا.
۱۰. سلیمانی، جواد، ۱۳۸۶ش، رازداران حریم اهل بیت، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی﵀.
۱۱. شبستری، عبدالحسین، ۱۴۲۱ق، النور الهادي إلى أصحاب إمام الهادي﵇، قم: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
۱۲. شیخ الرییس کرمانی، محمد، ۱۳۸۸ش، شعر شیعي و شعراي شیعه در عصر اول عباسي، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۳. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، ۱۳۷۶ش، اعلام الوري بأعلام الهدي، قم: موسسهٔ آل البیت﵈ لاحیاء التراث.
۱۴. طوسی، محمدبن‌حسن، ۱۳۷۳ش، رجال، تصحیح: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۱۵. ـــــــــ، ۱۳۸۰ق، الرجال، نجف: المکتبة والمطبعة الحیدریّة.
۱۶. ـــــــــ، بی‌تا، الغیبة، نجف: مطبعة النعمان.
۱۷. ـــــــــ، بی‌تا، الفهرست کتب الشیعه و اصولهم، تحقیق: سیدعبدالعزیز طباطبایی، قم: مکتبه محقق طباطبایی.
۱۸. عالمی دامغانی، محمدعلی، ۱۳۷۱ش، شاگردان مکتب ائمه، قم: صاحب اثر.
۱۹. عطاردی، عزیزالله، ۱۴۱۰ق، مسند الامام الهادی، مشهد: الموتمر العالمی للامام الرضا﵇.
۲۰. فقیه بحرالعلوم، محمد و خامه‌یار، احمد، بی‌تا، زیارتگاه‌های عراق، تهران: سازمان حج و زیارت.
۲۱. قمی، عباس، ۱۳۲۵ش، تتمه المنتهی، تهران: مرکزی.

۲۲. کشی، محمدبن‌عمر، ۱۴۰۹ق، رجال کشی، تصحیح: محمد طوسی و حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد.
۲۳. کلینی، محمد، ۱۴۰۷ق، الکافی، تحقیق: علی غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامی.
۲۴. مامقانی، عبدالله، ۱۳۵۲ق، تنقیح المقال، نجف: مطبعه المرتضویه.
۲۵. مدرس، محمدعلی، ۱۳۶۹ق، ریحانه الادب، تهران: خیام.
۲۶. مقدس‌زاده، سیدمحمد، ۱۳۳۵ش، رجال، تهران: بی‌نا.
۲۷. ناطق بالحق، یحیی‌بن‌حسین، ۱۳۸۷ش، الإفادة فی تاریخ الائمة السادة، تحقیق: محمدکاظم رحمتی، تهران: میراث مکتوب.
۲۸. نجاشی، احمد، ۱۴۱۸ق، رجال النجاشی، تحقیق: سیدموسی شبیری زنجانی، قم: النشر الإسلامی.

## ب) مقاله

۱. اکبری مقدم، لاله، ۱۳۹۳ش، «ساختار سازمان وکالت در عصر امام هادی علیه‌السلام و کارکردهای آن»، فرهنگ پژوهش، ش۱۹، ص۴۴ـ۷۰.
۲. ربانی، سیدجعفر، ۱۳۷۶ش، «احمد بن محمد بن عیسی قمی، راوی سه معصوم علیهم‌السلام»، کوثر، ش۶، شهریور.
۳. موسوی‌نژاد سیدعلی و موسوی تنیانی، سیداکبر، ۱۳۹۴ش، «بررسی انتقادی دیدگاه‌ها درباره مذهب ناصر کبیر»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، سال شانزدهم، ش۲.